

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۰۵ می ۲۰۲۱

سایه شوم "فقه" بر "اجماع"!

سه شنبه - ۱۴ ثور ۱۴۰۰ - کابل: از مدتها بدین سو به خصوص بعد از این که مذاکرات به اصطلاح صلح بین دولت دست نشانده و طالب با فراز و نشیب های متعددی روبه رو شد، یکی از واژه هائی که گفته می توانم بیشتر از سایر کلمات از دهن و قلم تمام سیاستبازان و نویسندگان مستقل و اجیر بیرون شده، واژه "اجماع" می باشد. شنیدن و خواندن بیش از هزار بار این کلمه، هر چند برداشتی از معنای آن داشتم، من را وادار ساخت تا باز هم به فرهنگ لغات مراجعه و معنای دقیق آن را از آنجا بیابم: در فرهنگ کامل آمده است:

اجماع: هم رأی و متفق شدن جماعت در انجام کاری+ در اصطلاح فقهی: اتحاد کلمه فقها در امری

با مراجعه به فرهنگ و درک معنای اجماع از دید فقه، متوجه شدم که مشکل سیاستبازان ما با تعریف های متفاوت و متضاد از این کلمه، در خود آن سیاستبازان نیست، بلکه سایه فقه بر آنها افتاده است زیرا:

هر چند قشر آخوند، ملا و چوپه بچه های آنها "طالب" در کشتار مردم بیگناه و تاراج دارائی آنها در طول تاریخ علی رغم اختلاف نظر اتحاد عمل داشته اند و هیچ گاهی دست شان حین فیر مرمی بر بر یک بیگناه و یا غارت دارائی های مردم نلرزیده و شکی در مورد عملش نداشته است، مگر در برداشت های فقهی، در طول تاریخ دیده نشده که چهار ملا صاحب عین نظر و حکم باشند. چنانچه:

اختلافات فقها در مسأله وضو، اختلافات فقها در آداب نماز و چگونگی ایستاده شدن یکی جفت و قفت مانند "عبدالله عبدالمود" تو گوئی چیزی را در ماتحت خود پنهان داشته و نمی خواهد آن چیز بیرون افتد و آن دیگری چون "سیاف" کشاد و باز تو گوئی یا چوره است و یا هم تنبانش را آلوده ساخته است، به همین سان در ده ها و صد ها مورد دیگر که نتجه اش همان یک اسلام و ۷۲ مذهب در آن شده است.

به گفته یک تن از دوستان، "فقها به جماع با یک دیگر زود تر به توافق می رسند تا به اجماع در یک موضوع فقهی". دلیل این ناتوانی در رسیدن اجماع بین فقها، بسیار عامدانه و آگاهانه و جهت دفاع از منافع فردی و هویتی آنها می باشد. یعنی وقتی یک فرد به مثابه فقیه شناخته شد او نمی تواند از کس دیگری تقلید نماید، چنانچه در مذهب تشیع صریحاً تذکار یافته که "تقلید مجتهد از مجتهد دیگر حرام است"، هرگاه در مسأله ای بخواهد نظر مجتهد دیگری ارجح داند، در واقع مقام و هویت خود را زیر سؤال می برد، از همین رو آنها نمی توانند بپذیرند که پای باید مسح شود و یا شسته؛ حال وقتی موضوع اجماع بین سیاستبازان مطرح می گردد، دیده می شود که سیاست بازان نیز نمی توانند خود را از برداشت فقهی کلمه اجماع بیرون نمایند.

یعنی در حالی که تقریباً همه آنها از اجماع ملی و اجماع سیاسی حرف می زنند مگر هیچ یک قادر نیست نظراتش را حتا با برادران حزبی اش یکی نماید. انشعابات عدیده بین تمام جناح های درگیر در قضایای افغانستان چه در طیف های چپ و چپ نما و چه هم بین داعیان اسلام سیاسی سندی برای اثبات ادعای ما می باشد. سیاستبازان ما در کل و بدون استثناء برداشت شان از کلمه "اجماع" می تواند همان برداشت اخوندی باشد یعنی تأیید نظرات من و نفی سایر نظرات. جهت تصدیق این ادعا به آحاد دولت دست نشاندۀ نظر اندازید، خواهید دید که هم "غنی احمدزی"، هم "عبدالله عبدالمود"، هم "طالب"، هم "کرزی"، هم "گلبدین"، هم "ربانی" و ... همه از اجماع صحبت می نمایند، مگر این اجماعی که آنها مطرح می نمایند فقط یک معنا دارد: "تأیید نظرات و مواضع گوینده و نفی سایر نظرات".

هموطنان گرامی!

فکر می کنم در اینجا گناه کلمه "اجماع" نیست که گویا مغلق و غیر قابل فهم می باشد، بلکه مشکل این است که درک سیاستبازان از آن "الف کم" می باشد. از همین رو برای آنها ساده تر و آسانتر است تا به "جماع" با همدیگر به توافق برسند تا در مورد خاصی به اجماع دست یابند!

مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع، جزء لایتجزای مبارزه علیه دولت دست نشاندۀ می باشد!

سرکها ما را می طلبند!